اقتصاد غیررسمی، فقرزدایی در سکونتگاه‌های غیررسمی و توسعه پایدار؛گذری بر الزامات و شیوه‌ها

یدالله صادقی[۱]
pardis.farandishan@gmail.com
ابوالفضل مشکینی[۲]
محمد اکبری[۳]
m.akbari613@gmail.com

چکیده:

یکی از الزامات توسعه‌ی پایدار، توجه به اقتصاد و بخش غیررسمی است، درحالی که اغلب با سهل‌انگاری به آن برخورد می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تأکید بر اهمیت این موضوع انجام شده است. بدین منظور ابتدا با ذکر مبانی نظری، چهارچوب مناسبی فراهم گردید. سپس، نمونه موردی شامل سکونتگاه‌های غیررسمی و فقیرنشین در میان‌آباد واقع در حوزه‌ی کلان‌شهر تهران انتخاب شد. بررسی ۹ ماهه در میان تعداد دو گروه ۳۰ نفری مداخله و شاهد انجام شد. بعد از پیش‌آزمون، جلساتی با گروه مداخله برگزار شد و در انتها یک پس‌آزمون در هر دو گروه انجام شد.

نتایج نشان داد که برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی، باعث بروز تغییرات آشکاری در رفتارها، گرایش‌ها و نظرات گروه هدف گردیده است. به طوری که، افرادی که در ابتدا اعتقاد داشتند که ایجاد اشتغال و درآمد جدید بسیار مشکل است از ۷۰ درصد در دوره نخست برنامه، به کمتراز ۳۰ درصد در دوره‌ی دوم کاهش پیدا کرد و درصد کسانی که معتقد بودند با تلاش خود و بدون حمایت دولت می‌توان اشتغال و درآمد جدیدی ایجاد نمود، از ۳ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش پیدا کرد.

دستاوردهای حاصل، ضمن تأکید بر اهمیت دخالت به ویژه آگاه‌سازی از طریق آموزش، نشان داد که افراد کم‌درآمدی که بنا به دلایل مختلف در بخش رسمی اقتصاد جذب نشده‌اند، با توجه به راهبرد توانمندسازی و با طی دوره‌های آموزشی مانند حرفه‌آموزی و بانک‌پذیری می‌توانند به مرور در راستای بهبود شرایط زندگی و ارتقای سطح درآمد و رفاه خود گام بردارند.

کلیدواژه‌ها: سکونتگاه غیررسمی، توسعه‌ی پایدار، اقتصاد غیررسمی، فقرزدایی، آموزش‌های توانمندسازی.

۱ دانشجوي دکتري جغرافيا و برنامه‌ريزي شهري دانشگاه تربيت مدرس تهران
۲ عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس و ریاست مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری کشور
۳ دانشجوي کارشناسي ارشد جغرافيا و برنامه‌ريزي شهري دانشگاه تربيت مدرس تهران

۱-مقدمه

دستیابی به توسعه‌ی پایدار شهری، آرمانی است که تمام برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌ها در همه‌ی جوامع به سوی آن جهت‌گیری شده است. از مهمترین ابعاد این توسعه، اقتصاد می‌باشد. اما شفاف نبودن اقتصاد و عدم برنامه‌ریزی منسجم برای همه اجزای آن، یکی از ویژگی‌های بارز جوامعی است که فقر شهری و ناپایداری توسعه در آن‌ها به طور روزافزونی موج می‌زند. این درحالی است که بخش غیررسمی همواره توانایی ایفای نقش جدی و پررنگ در رشد این جوامع را داراست. تجربیات سالیان متعدد نشان داده است زمانی که به فقرا و بخش غیررسمی بهای کافی داده شود می‌توان شاهد رونق و پایداری اقتصادی بود.

اما این سؤال اصلی مطرح می‌شود که راهکارهای توجه و تقویت این بخش کدام است و با چه روشی می‌توان به طور اساسی و پایه‌ای موجبات افزایش درآمد کم‌درآمدان را فراهم آورد، زمینه اشتغال جدیدی ایجاد کرد، تجارت محلی را رونق داد و در مجموع رونق اقتصاد محلی را سبب‌ساز شد؟ پاسخ به این سوالات دلیل حقیقی نگارش این مقاله را است. فرضیه تحقیق بر این استوار است که برنامه‌های توانمندسازی و آموزش‌های پایه‌ای می‌تواند به مرور زمان، موجب تغییرات مثبت در باور و سپس رفتار شده و بهبود شرایط اشتغال و درآمد را برای خروج از فقر فراهم آورد.

۲-مبانی نظری پایداری توسعه و جایگاه اقتصاد غیررسمی

۲-۱-توسعه‌ی پایدار

توسعه‌ی پایدار را می‌توان تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب رسانی به توانایی نسل‌های بعدی برای برآوردن نیازهای‌شان درنظر گرفت. در این صورت، دو مفهوم مطرح می‌باشد، اول: مفهوم نیاز، به ویژه نیازهای اساسی فقرا که در اولویت قرار می‌گیرد دوم اهداف توسعه‌ی پایدار که باید در هر کشوری به طور عملیاتی و خاص همان کشور تعریف گردد. مولفه‌های توسعه‌ی پایدار بدین شرح می‌باشد (نوابخش و ارجمند، ۱۳۸۸: ۴۳-۱۲۴): ۱- انسان؛ سرمایه‌های انسانی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌های مادی است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان، بخش قابل توجهی از جمعیت، توان جذب در مشاغل رسمی را ندارند؛ لذا به بخش‌های غیررسمی و مشاغل روزمره تن می‌دهند که این امر مضرات گوناگون اقتصادی و اجتماعی را در بر دارد، ۲- کودکان و جوانان، ۳- محیط زیست، ۴- زنان، ۵- فرهنگ، ۶- آموزش، ۷- علم، ۸- اخلاق، ۹- امنیت، ۱۰- مشارکت، ۱۱- حکمرانی محلی مطلوب؛ به طوری که بریلانتس بدان اشاره نموده است که در شرایط حکمروایی مطلوب، به نیازهای محلی توجه می‌شود و صدای ضعیف‌ترین و فقیرترین افراد نیز شنیده می‌شود؛ لذا همواره نوعی امید به حداقل رساندن فقر وجود دارد (Brillantes, 2002, p 9).

هم‌چنین به عقیده هال[۴]، حکمرانی محلی مطلوب در پهنه‌ی شهری، پیوند نزدیکی با رفاه و کیفیت زندگی جامعه محلی دارد و شهروندان در پرتو آن می‌توانند از مسکن مناسب، امنیت شغلی، آب سالم، تعلیم و تربیت و سایر امتیازات رفاهی برخوردار شوند (hall, 2000, p.165[۴]). در پرتو چنین شرایطی می‌توان به توانایی‌های همه‌ی افراد از جمله کم‌درآمدها ارزش و اعتبار داد و توسعه‌ی حقیقی و پایدار را برای شهرها متصور شد؛ زیرا بخش جامعه‌ی مدنی زمینه‌های شکوفایی خود را می‌یابد.

[۴] Hall

۲-۲-الزامات توسعه‌ی پایدار شهری

اقتصاد، اکولوژی و پیوستگی اجتماعی یا به تعبیر دیگر، برابری را ستون‌های یک شهر پایدار می‌دانند (نوابخشی و ارجمند، ۱۵۲-۱۵۰، ۱۳۸۸). در نگرش توسعه‌ی پایدار نباید توسعه در یک بخش به قیمت نابودی سایر بخش‌ها به اتمام برسد. این بدان معناست که در بعد اقتصادی نیز -که یکی از پایه‌ای‌ترین ابعاد توسعه‌ی پایدار محسوب می‌گردد- نباید به بخش رسمی توجه بیش از حد نمود و در مقابل از اقتصاد و بخش غیررسمی غفلت کرد.

۲-۳-توجه به بخش و اقتصاد غیررسمی

در یک دسته‌بندی، اقتصاد غیررسمی به طور عام به چهار بخش تقسیم شده است (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۴۳): بخش خانوار، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در خانوار مصرف می‌شود. بخش نامنظم، که فعالیت‌های این بخش اگرچه غیرقانونی نیست ولی شیوه انجام آن‌ها از ماهیت غیرقانونی برخوردار است. بخش غیرقانونی، که تولیدات آن شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون نظیر مال‌دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش مواد مخدر، فحشا و ازاین دست می‌باشد. بخش غیررسمی، که فعالیت‌های آن، طیف وسیعی از مشاغل خردی چون واکسی و دست‌فروشان جزء و کم بازده تا سرمایه‌گذاری هایی در تولید و یا حمل و نقل که دارای بازده بالایی هستند؛ شامل می‌شود.

۲-۴-فعالان غیررسمی، احیاکنندگان شهر

واقعیت آن است که فعالان غیررسمی، در سرزندگی و بقای شهری که در آن زندگی می‌کنند مشارکت قابل ملاحظه‌ای دارند. در همین حال، بی توجهی به آن‌ها و رانده شدن از محل سکونت برای آنان نه فقط به معنای تخریب واحد مسکونی، که نابودی شالوده‌ی امرار معاش است. نابودی هویت جمعی، همبستگی خانواده، سرمایه‌ی اجتماعی، همگی مواردی است بلکه بر لزوم اهمیت دادن به حق سکونت این افراد تأکید می‌کنند (جواهری پور،۱۳۸۱: ۱۳۸ -۱۴۱). به بیانی خلاصه، بازدهی بالا در ازای سرمایه‌گذاری بسیار ناچیز، ویژگی اقتصاد غیررسمی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- ویژگی های مقایسه ای بارز بین مشاغل رسمی و غیررسمی

مشاغل رسمی	مشاغل غیررسمی
بزرگ مقیاس اند	کوچک‌مقیاس اند
مدرن و جدید هستند	سنتی هستند
بیشتر مالکیت عمومی دارند	مالکیت فردی یا خانوادگی است
سرمایه بر بوده و به سرمایه انبوه نیاز دارند	کاربر هستند
فعالیت شان در جهت سوداوری است	فعالیت‌های معیشتی هستند
دارای تکنولوژی وارداتی هستند	از تکنولوژی بومی استفاده می‌کنند
از بازار حمایتی(برای مثال سهمیه تعرفه) برخوردارند	دارای بازار غیرمنظم و رقابتی هستند
ورود به آنها مشکل است	ورود به آن آسان است

نیاز به مهارت‌های رسمی(برای مثال تحصیلات رسمی) دارند	نیازمند مهارت‌های غیررسمی اند(برای مثال مهارت هایی که در خانه یا از طریق شاگردی کسب می شود)
اکثریت کارگران تحت حمایت قانون قرار دارند و بوسیله قانون کار یا پوشش تامین اجتماعی حمایت می شوند	اقلیتی از کارگران این بخش تحت حمایت قانون کار و یا تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دارند

منبع: Chant , 1991, p: 175-196

به هر حال، در چند دهه‌ی اخیر، برخی از مدیران و برنامه‌ریزان به سوی بهره‌گیری بیشتر از جنبه‌های مثبت این بخش در برنامه‌ریزی و توسعه‌ی شهری متمایل شده‌اند. از اثرات مهم و مثبت بخش غیررسمی می‌توان به این موارد اشاره کرد (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۴۴): این بخش با نیروی کار ارزان ، به پایین نگه داشتن هزینه‌های شهرنشینی کمک می‌کند؛ با تأمین نیروی کار ارزان به رقابت‌پذیری شهرها کمک می‌کند؛ تأمین کالا و خدمات اساسی با قیمت مناسب را به ویژه برای فقرا در پی دارد؛ حیات فرهنگی شهری را از راه فعالیت‌هایی چون ارائه روزنامه و مجله به وسیله دوره‌گردان و موسیقی خیابانی و ... غنا می‌بخشد؛ و راهی برای ارتقا و دستیابی به خدمات و سطح زندگی مناسب در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. لذا می‌توان گفت که بخش غیررسمی دارای اهمیت کارکردی بالایی برای کل شهر می‌باشد. این بخش، از دو جنبه ارتقا و ساماندهی محیط شهری و ارتقای زندگی فقرا می‌تواند مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار بگیرد.

۲-۵-اقدام برای احیای بخش غیررسمی و کاهش فقر

۲-۵-۱-رسمیت بخشی

فعالیت غیررسمی عمدتاً ناشی از هزینه‌هایی است که رسمی شدن و رسمی ماندن در پی دارد. چنانکه هرناندو دستو در تجربه ارزنده‌اش در پرو نتیجه می‌گیرد که هزینه‌های رسمیت (The Costs of Formality) از قبیل فرایندها و قوانین و مقررات، و هزینه‌های رسمی ماندن (The Costs of Remaining) از قبیل مالیات و عوارض و هزینه‌های خدمات باعث شده است که فقرا توان پرداخت هزینه‌ها را نداشته باشند و غیررسمی بمانند (Desoto, 1989: 133-134). رسمیت بخشی فعالیت ها در سکونتگاه‌های فقیرنشین که عموماً ماهیت غیررسمی دارند، به پاکسازی اجزای نامطلوب و ضداجتماعی کمک می‌کند و امنیت عمومی را ارتقاء می‌بخشد، بنابراین اجتماع محلی محیطی امن‌تر برای سرمایه‌گذاری می‌شود، علاوه بر این قانونی کردن حقوق املاک و فعالیت، امکان ظهور رهبری درونزا از میان خود فقرا را افزایش می‌دهد (Sanyal, 1996 : 164,165).

۲-۵-۲-تمهیدات نهادی

عموماً بخش غیررسمی فاقد سازماندهی نهادی است و نبود سازمان‌ها و نهادهای محلی جوامع فقیر را از بهره گیری از فرصت‌ها و امتیازات موجود محروم می‌سازد. اگرچه وجود شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای غیررسمی از نکات بارز این جوامع به شمار می‌رود، اما کمتر پیوندهای آنان کمتر به تشکیل نهادهای رسمی می‌انجامد. چنین نهادهایی به فقرا فرصت شناخت مسائل و راه حل‌ها و نیز توان برقراری ارتباط و برخورداری از کمک‌های فنی و مالی را می‌دهد و همچون ابزاری نهادی فقرا را در بهبود شرایط کار و زندگی توانمند خواهند کرد.

۲-۵-۳-آموزش و کارآموزی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاغلان بخش غیررسمی از سطح پایین آموزش (Education) و کارآموزی (Training) برخوردارند. در واقع یکی از دلایل جاذبه بخش غیررسمی نیاز اندک به مهارت و آموزش است. سازمان بین‌المللی کار در این مورد برچند نکته تأکید می‌کند (ILO, 2003: 39): ۱-گسترش مهارت‌های کاری بخش مهمی در یک فرایند است که در پی آمادگی اجتماعی برای تشکیل جامعه دانایی محور و مهارت محور است، ۲- نظام کارآموزی نیاز است که انعطاف‌پذیر و پاسخگوی تحول فزاینده‌ی نیازهای مهارتی باشد، و ۳- ارائه آموزش‌های مهارتی و کارآموزی‌ها باید تقاضا محور (Demand driven) باشد و گروه هدف در برنامه‌ریزی‌های آموزشی مشخص شود و نیز معطوف به ارتقای بازدهی و کارآمدی در بخش غیررسمی شود.

۲-۵-۴-تأمین مالی

شاغلان بخش غیررسمی در شهرها به ندرت از منابع رسمی بهره‌مند می‌شوند، برای نمونه مطالعه بخش غیررسمی شهرکرمانشاه نشان می‌دهد که تنها حدود ۳ درصد از شاغلان بخش غیررسمی توانسته‌اند از وام‌های بخش رسمی برخوردار شوند و غالباً از راه غیررسمی نیازهای مالی کسب و کار خود را رفع می‌کنند (ایراندوست، ۱۳۸۳ : ۲۳۱). تأمین مالی خرد در زمینه‌ی ایجاد اشتغال و تأمین سرمایه‌ی کار، افزایش امنیت و کاهش آسیب‌پذیری، توانمندسازی و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری به ویژه در مورد زنان نقش بسیار مهمی در ارتقای شاغلان بخش غیررسمی ایفا می‌کند. در این رابطه تجربه گرامین‌بانک در جنوب آسیا در زمینه تأمین مالی کسب و کار فقرا بسیار ارزنده وعبرت‌آموز است (هادیزاده، ۱۳۸۲: ۲۰۵-۲۱۲).

۳-نمونه موردی؛ اثربخشی برنامه‌های آموزشی توانمندسازی جهت فقرزدایی

۳-۱-روش‌شناسی

برای بررسی موردی و میدانی موضوع پژوهشی اثربخشی دخالت و آموزش فقرا و کم‌درآمدان شهری و با هدف احیای بخش و اقتصاد غیررسمی، محله میان‌آباد در جنوب شهر اسلام‌شهر در استان تهران به عنوان نمونه انتخاب گردید. در سال ۱۳۸۵ نزدیک به ۲۴ هزار نفر (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن) و در ابتدای سال ۱۳۸۷، حدود ۴۵ هزار نفر در آن زندگی می‌کردند. محله مورد بررسی، یک سکونتگاه غیررسمی است. تعداد افرادی که درآمد ناچیز و اشتغال ناکافی دارند، زیاد بوده و لذا نسبت فقرای شهری در آن بالاست. دو نمونه ۳۰ خانواری از فقیرترین افراد محله، یکی از گروه‌ها به عنوان گروه شاهد (الف) و گروه دوم به عنوان گروه مورد آزمون و یا مداخله (ب) انتخاب شدند. هدف این بود که پس از انجام مداخله در یکی از گروه‌ها در طی یک مدت مشخص، تغییرات حاصل از این مداخلات در گروه آزمون یا مداخله سنجیده شود. از این رو، از قبل، یک پرسشنامه پیش‌آزمون بین خانوارها، با سوالات یکسان، توزیع شد. در مرحله‌ی بعد، جلسات و نشست‌های گروه بحث، در مدت ۹ ماه با گروه‌های سه‌گانه (گروه مداخله ۱: شامل ۱۱ نفر از زنان محله اعم از سرپرست یا همسر سرپرست، گروه مداخله ۲: شامل ۹ نفر از مردان سرپرست خانوار، گروه مداخله ۳: شامل ۱۰ نفر از مردان سرپرست خانوار) برگزار شد. آنچه که در این جلسات بر آن تأکید می‌شد، ذکر نمونه‌های موفق از همکاری افراد در قالب تعاونی‌های تولیدی و یا صندوق-های مالی و تعاونی‌های اعتباری بود که در سایر نقاط و محلات فقیرنشین کشور توانست نتایج مثبتی از خود بروز دهد. البته همواره خطوط فکری اصلی به افراد حاضر در جمع داده می‌شد اما بیان راه‌حل‌های نهایی به خود آن‌ها واگذار می‌شد. در مرحله نهایی، پرسشنامه یکسان دیگری بین دو گروه اصلی (شاهد و مداخله) توزیع شد و ۶۰ خانوار مورد نظر، به سوالات یکسانی

پاسخ دادند. نتایج بدست آمده با نرم افزار SPSS و آزمون آماری تحلیل شد. در تحلیل‌های موردنظر، ابتدا ارقام به جای داده-های کیفی در محیط نرم افزاری وارد گردید و از همبستگی اسپیرمن برای فهم معناداری ارتباط بین متغیرها بهره‌گیری شد.

۳-۲-یافته‌های پژوهش

شهرستان اسلام‌شهر با ۱۸۵ کیلومتر مربع مساحت در جنوب غربی استان تهران قرار دارد. با ایجاد شهرستان جدید اسلام‌شهر در حال حاضر، محله میان‌آباد در محدوده سیاسی و اداری دهستان ده عباس از بخش مرکزی شهرستان اسلام‌شهر، در استان تهران قرار دارد (وزارت کشور: ۱۳۴۵). این محله در جنوب شهر اسلام‌شهر و جنوب کمربندی الغدیر قرار دارد و در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۴ هزار نفر و در پایان سال ۱۳۸۶ و ابتدای سال ۱۳۸۷، حدود ۴۵ هزار نفر در آن زندگی می‌کردند. مهمترین محله از محلات شهر اسلام‌شهر از نظر دارا بودن مسئله اسکان غیررسمی است. از ابتدا، روستایی کوچک بوده که به دلیل مهاجرت‌های گسترده در دهه‌های قبل، به صورت سکونتگاه نسبتاً بزرگی درآمده است و از زمان الحاق آن به محدوده شهر اسلام‌شهر، اهمیت فزاینده‌ای در میان محلات شهر پیدا کرده است. محله میان‌آباد که در فاصله ۴ کیلومتری شرق شهر اسلام‌شهر واقع شده است در ارتفاع ۱۰۵۰ کیلومتری از سطح دریاهای آزاد قرار دارد (رای‌فن، مهندسین مشاور و شهرساز، ۱۳۷۸: ۱۰).

ویژگی‌های شغلی سرپرست خانوار؛ بر اساس یافته‌های پرسشنامه در گروه مداخله تغییراتی در نوع شغل افراد بین دو دوره مشاهده می شود. زیرا تعداد انگشت‌شماری از افراد گروه، به عنوان سرپرست و یا همسر سرپرست، به خرید و فروش گل و نهال، خیاطی (دوخت و دوز و تعمیر لباس) روی آوردند. همچنین برای تولیدات خانگی خود از جمله مربا و ترشی‌جات، توانستند بازاریابی کنند در حالی که تا قبل از این، به این امر فکر نکرده و یا به آن اعتقادی نداشتند. در گروه شاهد در دور دوم، درصدها تغییراتی نشان نداده است (نمودار شماره ۱).

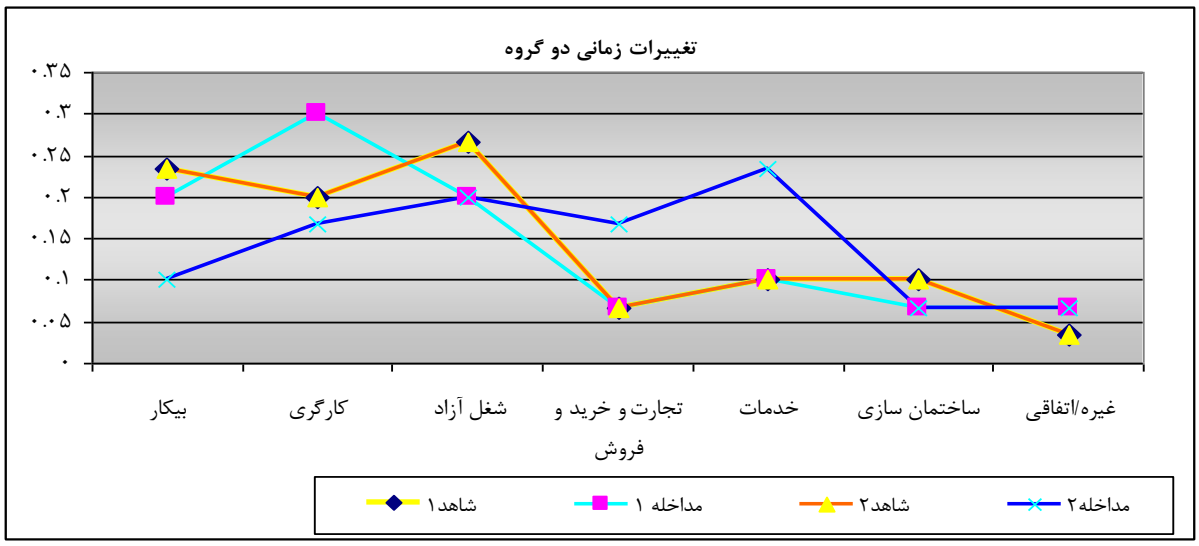

نمودار ۱: تغییرت زمانی شغل افراد دو گروه (منبع : برداشت میدانی)

میزان درآمد ماهیانه؛ در این باره، در گروه شاهد، تغییراتی در دو دوره‌ی زمانی مشاهده نگردید. در گروه مداخله تغییرات روی داده هرچند اندک، ولی مثبت بود (نمودار شماره ۲).

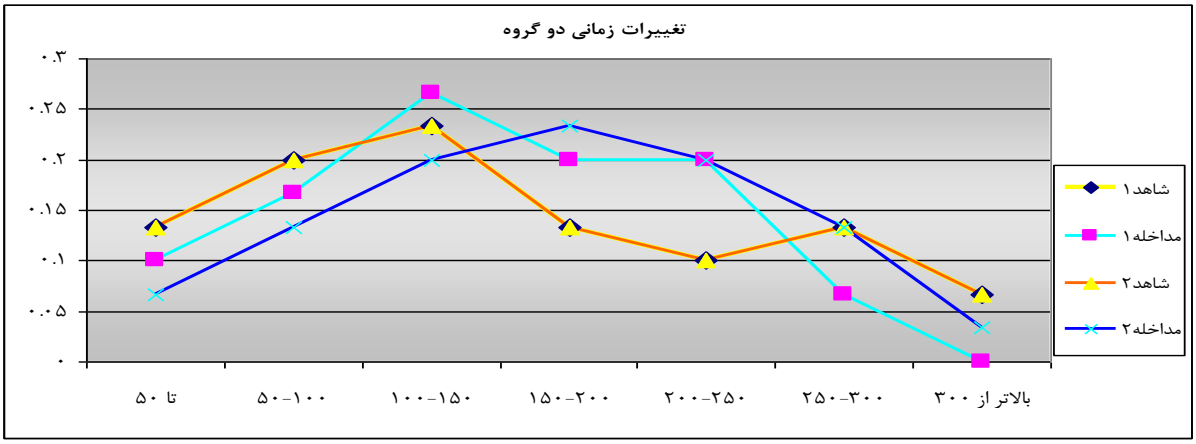

نمودار ۲: تغییرات زمانی میزان درآمد ماهیانه بین دو گروه (منبع : برداشت میدانی)

توانایی در ایجاد شغل و درآمد: در گروه مداخله تعدادی که اعتقاد داشتند، بسیار مشکل است و نمی‌توان شغل و درآمد جدید ایجاد کرد، از ۷۰ درصد در دوره‌ی اول به ۳۰ درصد در گروه دوم کاهش پیدا کرده و درصد کسانی که معتقد بودند با تلاش خود و بدون حمایت دولت می‌توان اشتغال و درآمد جدیدی ایجاد نمود از ۳ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافت.

آشنایی با شیوه‌های جدید درآمدزایی: در گروه مداخله در دوره اول، ۸۳ درصد آشنایی نداشتند، ۱۳ درصد تنها شنیده بوده و کامل نمی‌شناختند و ۳ درصد شناخته اما نسبت به آن پیگیری نکردند و باقیمانده جواب مشخصی ندادند. در این گروه در دور دوم، ۱۳ درصد آشنایی نداشتند، ۱۳ درصد خوب و کامل نمی‌شناختند، ۴۳ درصد شناخته اما به سراغ آن نرفتند، ۲۳ درصد شناخته و پیگیر بوده اما موفق نبودند و ۶ درصد، شناخت داشته و در آن موفق بودند و باقیمانده جواب مشخصی ندادند.

عضویت در صندوق یا تعاونی‌های اعتباری: بر خلاف گروه شاهد که در هر دو دوره ۹۳ درصد بیان کردند عضویتی در صندوق یا تعاونی اعتباری ندارند، در گروه مداخله در دور اول ۹۳ درصد و در دور دوم ۸۳ درصد پاسخ دادند که عضویت ندارند. در بازخوانی دلایل عدم عضویت افراد دو گروه، ملاحظه می‌شود که در مورد گروه مداخله در دور اول ۲۹ نفر عضویت نداشتند که ۷۱ درصد از این رقم، به دلیل درآمد ناکافی، ۱۰ درصد به دلیل بی‌اعتمادی، ۱۴ درصد به دلیل عدم شناخت کافی بوده است. اما در این گروه در دور دوم، ۲۵ نفر عضویت نداشتند که در این میان، ۸۴ درصد به دلیل درآمد ناکافی، ۴ درصد بی‌اعتمادی، ۴ درصد عدم شناخت کافی و ۸ درصد بنا به سایر دلایل در صندوق‌ها یا تعاونی‌های پولی و مالی عضویت نداشتند.

امیدواری به بهبود شرایط اقتصادی: مقایسه میزان امیدواری دو گروه نشان از آن دارد که در گروه مداخله در دور دوم، در مجموع امیدواری بیشتر وجود دارد (نمودار شماره ۳).

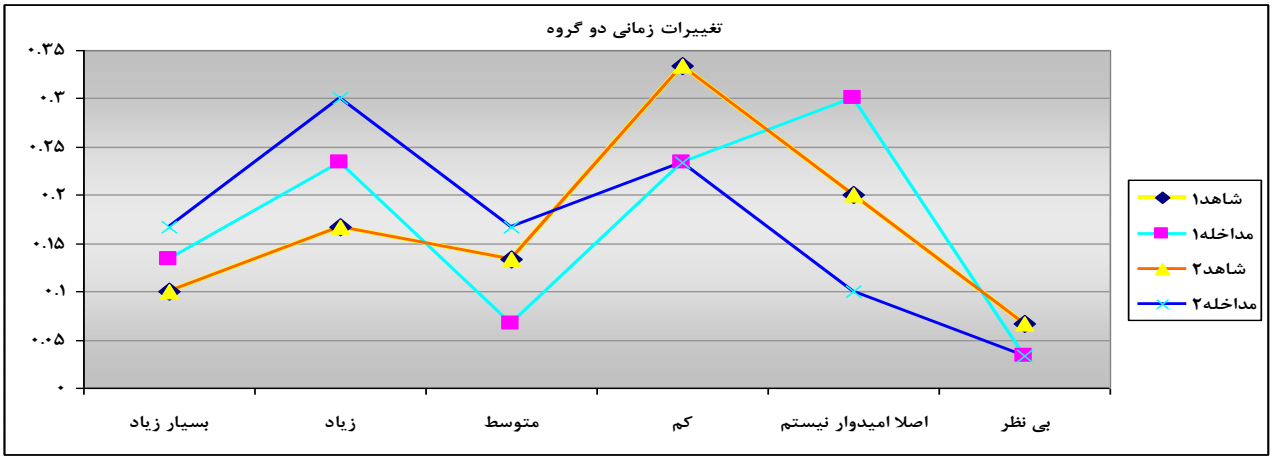

نمودار ۳: تغییرات زمانی میزان امیدواری به بهبود شرایط اقتصادی دو گروه در طول زمان (منبع : برداشت میدانی)

اعتقاد به اثربخشی دوره‌های آموزشی در ارتقای شرایط زندگی: در دور دوم سهم هر یک از پاسخ های «این روش‌ها اثر کمی دارد»، «این گونه آموزش‌ها لازم است اما کافی نیست» و « تداوم این‌گونه آموزش‌ها می‌تواند بسیار موثر باشد» در میان گروه شاهد بترتیب ۱۶، ۱۶ و ۳ درصد بوده است درحالی که در گروه مداخله به ترتیب ۲۶.۵ درصد، ۳۰ درصد و ۲۳ درصد بود.

راه حل مشکلات اقتصادی از دید افراد: در گروه مداخله در دور اول ۴۰ درصد افراد به کمک و دخالت دولت از طریق ایجاد شرایط کاری اعتقاد داشتند و هیچ‌کدام از افراد به کمک غیرمستقیم از طریق ایجاد آموزش‌های کافی و توانمندسازی اشاره‌ای نکردند. درحالی که در دور دوم ۲۶ درصد به کمک و دخالت دولت از طریق ایجاد شرایط کاری مانند ایجاد صنعت اشاره نموده و ۱۰ درصد نیز به کمک غیرمستقیم از طریق دادن آموزش‌های کافی و توانمندسازی اعتقاد داشته‌اند.

اعتماد به سازمان‌های دولتی و تمایل به مشارکت با آنان: برای گروه مشاهده، درصدهای مشابه دور اول، در دور دوم نیز برقرار است. اما در گروه مداخله، ۳ درصد افراد در دور اول بر این باور بودند که اگر سازمان‌های دولتی دخالتی نکنند، شرایط بهتر خواهد بود. همچنین سهم افرادی که اعتماد داشته و حاضر به همکاری نیز بودند ۱۰ درصد بوده است. درحالی که در دور دوم، کسی معتقد به عدم دخالت نبود و سهم کسانی که اعتماد داشته و مایل به همکاری بوده‌اند به ۲۳ درصد رسید.

تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی و حرفه آموزی: درصد پاسخ‌های گروه شاهد در دو دوره تفاوتی نشان نمی‌دهد اما در گروه مداخله، سهم افرادی که هیچ‌گونه تمایلی نداشتند از ۳۳ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافته و به جای آن، سهم افرادی که تا اندازه‌ای تمایل داشته از ۲۰ درصد به ۴۶ درصد و سهم افراد کاملا راضی و مایل، از ۱۶ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافت.

تمایل به مشارکت در ایجاد نهاد مالی و اعتباری جدید بین خود: در این مورد، در هر دو گروه شاهد و مداخله، تغییراتی مشاهده شد. اگرچه سهم گروه مداخله، فاحش‌تر می‌باشد (نمودار شماره ۴).

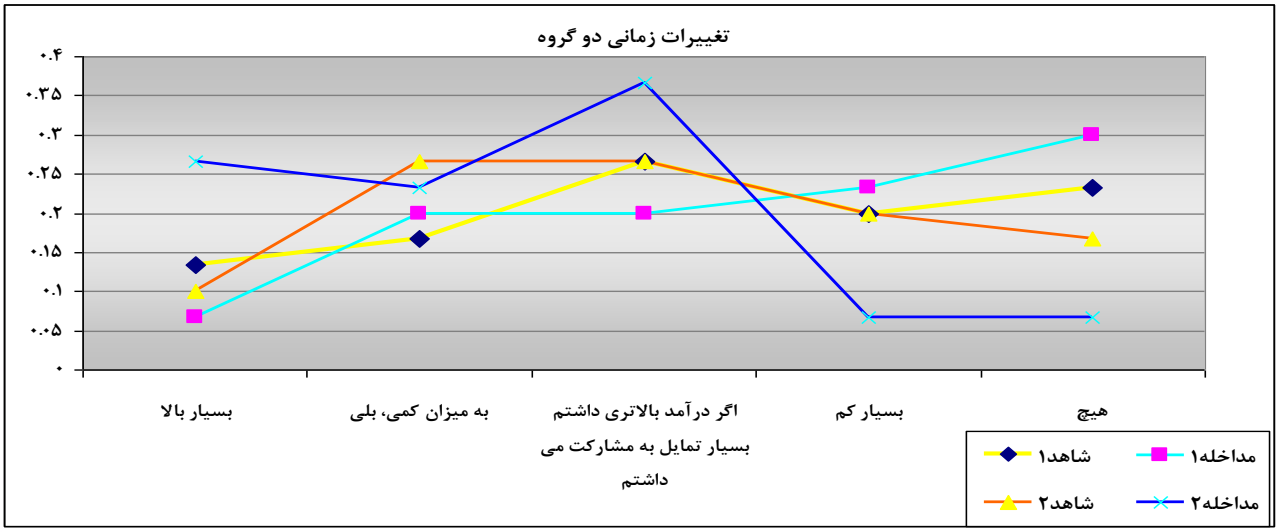

نمودار ۴: تغییرات زمانی تمایل به مشارکت در ایجاد نهاد مالی و اعتباری جدید بین خود در دو گروه (منبع : برداشت میدانی)

از افراد خواسته شد در صورت عدم مشارکت مالی، دلیل آنرا بازگویند. در دور دوم در گروه شاهد از ۱۶ نفری که تمایلی نداشتند، ۵۰ درصد ضعف درآمدی، ۲۵ درصد بی‌اعتمادی، ۱۸ درصد عدم شناخت و ۶ درصد سایر دلایل را برشمردند. درحالی که در گروه مداخله، از ۴ نفری که تمایلی نداشتند، ۷۵ درصد، ضعف درآمدی و ۲۵ درصد، عدم شناخت بیان داشتند.

۳-۳-آزمون معناداری همبستگی بین متغییرها

برای اینکه معناداری ارتباط بین عوامل و متغیرها اثبات گردد از آزمون همبستگی بین متغییرها (آزمون اسپیرمن) استفاده شد که نتایج آن به طور خلاصه در ادامه بیان می‌گردد. همبستگی بین دو متغیر«توانایی در ایجاد اشتغال و درآمد جدید» و «میزان آشنایی با شیوه‌های جدید درآمدزایی» ۰.۸۶۵ می‌باشد. همبستگی بین دو متغیر«امیدواری به بهبود شرایط اقتصادی» و «میزان آشنایی با شیوه‌های جدید درآمدزایی» ۰.۸۹۵، «امیدواری به بهبود شرایط اقتصادی» و «باور به تاثیربخشی نشست-ها و دوره‌ها» ۰.۷۶۵، «میزان آشنایی با شیوه‌های جدید درآمدزایی» و «دیدگاه افراد در مورد راه حل مشکلات اقتصادی» ۰.۸۰۶، «میزان آشنایی با شیوه‌های جدید درآمدزایی» و «اعتماد به سازمان‌های دولتی و تمایل به مشارکت با آنان» ۰.۸۳۸، همبستگی بین دو متغیر«میزان آشنایی با شیوه‌های جدید درآمدزایی» و «تمایل به مشارکت در ایجاد نهاد مالی و اعتباری جدید بین خود» ۰.۹۰۴، «باور به تاثیربخشی نشست‌ها و دوره‌ها» و «دیدگاه افراد در مورد راه حل مشکلات اقتصادی» ۰.۹۰۶، «باور به تاثیربخشی نشست‌ها و دوره‌ها» و «اعتماد به سازمان‌های دولتی و تمایل به مشارکت با آنان» ۰.۸۲۸ «باور به تاثیربخشی نشست‌ها و دوره‌ها» و «تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی و حرفه‌آموزی» ۰.۹۰۲، «باور به تاثیربخشی نشست-ها و دوره‌ها» و «تمایل به مشارکت در ایجاد نهاد مالی و اعتباری جدید بین خود» ۰.۸۷۱ است. سطح sig در این مورد مانند موارد پیشین صفر(۰) است که نشان از معناداری همبستگی بین دو متغیر مورد بررسی می‌باشد.

۴-نتیجه‌گیری

در طول پژوهش مشخص گردید که برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار باید اقتصادی خوب و پایدار داشت که در برگیرنده‌ی تمامی ابعاد و جوانب مربوطه باشد؛ لذا نمی‌باید توجه به یک بعد، مانع از توجه به جنبه‌ی دیگر (اقتصاد غیررسمی) گردد. بررسی موردی نشان داد که برگزاری نشست‌ها و دوره‌های آموزشی برای افراد کم‌درآمد می‌تواند زمینه‌ی رونق اقتصاد غیررسمی را با هزینه اندک و بازدهی بالاتری نسبت به بخش رسمی فراهم سازد. افراد کم‌درآمد همواره علاقه‌مند هستند که وضعیت خود را بهبود بخشند و برای این کار نیاز به آگاهی و آموزش دارند. همان‌گونه که در اثر مداخلات هدفمند، در بین ساکنین کم‌درآمد محدوده‌ی مورد بررسی (میان‌آباد اسلام‌شهر)، تغییرات روشن و مثبتی در طول زمان مشاهده گردید. لذا به‌طور خلاصه بر پیشنهادات زیر به‌عنوان راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی و خروج از فقر محدوده‌های فقیرنشین مشابه تاکید می‌گردد:

۱-توجه به بخش غیررسمی و اقتصاد غیررسمی در سطح کلان، ۲- برگزاری دوره های آموزشی متنوع برای افراد کم‌درآمد و باانگیزه، ۳- کمک به بهبود شرایط اقتصاد محلی و رونق کسب و کار بومی، ۴- حمایت‌های قانونی و رفع موانع موجود برخورداری از تسهیلات و فرصت‌های پولی و مالی، و ۵- توجه به اصول راهبرد توانمندسازی جهت خروج از فقر و ساماندهی فعالیت‌های بخش غیررسمی. مجموعه پیشنهادات در نمودار شماره ۵ مشاهده می‌گردد.

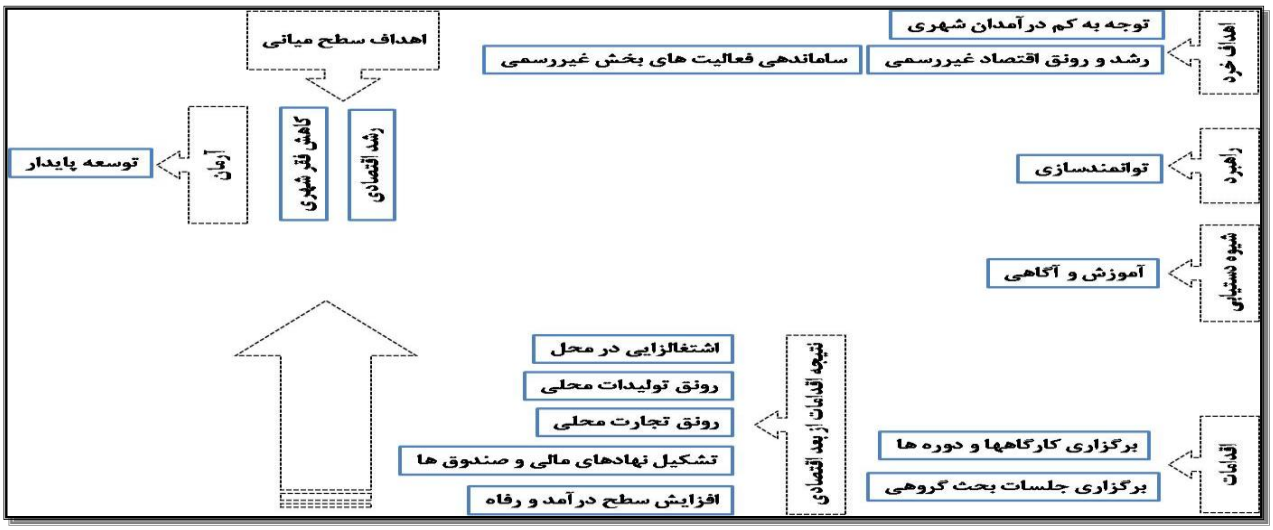

نمودار ۵: توجه به بخش غیررسمی و فقرای شهری جهت دستیابی به پایداری توسعه

به طور اختصاصی در منطقه‌ی مورد مطالعه در اسلام‌شهر، با توجه به پتانسیل‌های فروان موجود در بین افراد جوان و زنان محله، می‌توان با یکپارچه‌سازی نیروهای موجود برای شکل‌گیری گروه‌ها و اصناف مختلف تولیدی و خدماتی گام برداشت. آموزش‌های برپایی مشاغل تولیدی و خدماتی متنوع، مهارت‌آموزی، آموزش بانک‌پذیری و مانند آن، از جمله اقدامات اساسی است که در جهت ریشه‌کن‌سازی فقر و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در بلندمدت به صورت پایدار مورد نیاز خواهد بود. در

این مورد شهرداری اسلام‌شهر در کنار سایر نهادهای مردمی و دولتی، محلی و فرامحلی و با بهره‌گیری از کمک‌های فنی و مالی آن‌ها می‌تواند پیشگام شایسته‌ای برای این حرکت مانا باشد.

منابع

۱. ایراندوست، کیومرث.(بی‌تا). *بخش غیررسمی در اقتصاد شهر کرمانشاه و زمینه های ساماندهی آن* کرمانشاه: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر کرمانشاه.

۲. ــــــــــــــ(۱۳۸۷). «جایگاه بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر». هفت شهر، شماره ۲۴-۲۳.

۳. جواهری پور، مهرداد و داورپناه، بابک.(۱۳۸۱). «سکونتگاه‌های ناپایدار اقشار کم درآمد شهری- از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی». هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.

۴. جواهری پور، مهرداد.(۱۳۸۱).« چالش جهانی جهانی فقر شهری». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.

۵. مرکز آمار ایران.(۱۳۸۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*.

۶. مهندسین مشاور رای‌فن.(۱۳۷۸). «طرح تفصیلی میان آباد». شهرداری اسلامشهر.

۷. نوابخش، مهرداد . ارجمند.(۱۳۸۸). *اسحق مبانی توسعه پایدار شهری*. محل نشر: جامعه شناسان.

۸. وزارت کشور.(۱۳۷۰). *شهرداری‌ها در ایران و جهان*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.

۹. هادی‌زاده بزاز، مریم.(۱۳۸۲). *حاشیه نشینی و راه کارهای ساماندهی آن در جهان*. چاپ اول. مشهد: شهرداری مشهد.

منابع لاتین:

10. Brilllantes. J.r. aex. B.(2002). “decentralization and power shift: an imperative for good governance”. *asian resourse center for decentralization*, available at: online, www. Decentralization. Ws/publication.asp.

11. Chant, s.(1991). “national perspective on third world development*”. in r.bennet and r. estall, global change and challenge, geography for 1990s*, London, routledge, p: 175-196.

12. De soto,hernando.(1989*). the other path, harper*. newyork: Row.

13. Hall, peter,& Ulrich Pfeiffer.(2000). “urban future 21, a global agent for twenty-first century cities” *e&fn spone London*.

14. ILO.(2003). “Working Out of Poverty”. *Repart of International Labaur conference , 91 sisession*, switzer land.

15. Sanyal, bishwapriya. (1996). “Intention and outcome: Formalization and its Consequencees*”. in Regional development Dialogue*, vol.17, No 1, siting. P:161-178.